

وطن امروز
<i>روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی</i>
 صاحب‌امتیاز:مهرداد بذریاش
 مدیرمسئول:محمد آخوندی سردبیر:رضا شکیبایی
▪ ▪ نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر^(en)‏ کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه:۶۶۴۱۳۷۸۳ تمایر:۶۶۴۱۳۷۰۳ پیام‌گیر:۶۶۴۱۳۹۴۲ سازمان آگهی‌ها:۶۱۰۸۶۱۶۳ پست الکترونیک : info@vatanemrooz.ir چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق	
	
اذان ظهر: ۱۲:۱۸	غروب آفتاب: ۱۷:۴۵
اذان مغرب: ۱۸:۰۳	نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۳۶
اذان صبح فردا: ۵:۲۸	طلوع آفتاب: ۶:۵۲

کلام نور	
	
هر که به نیک گزینی خداوند دلگرم باشد، آرزو نمی‌کند در وضعی جز آنچه خدا برایش برگزیده، باشد	
<i>امام حسن مجتبی</i> ^(ع)	

آنم آرزوست/۱۷۵	
-----------------------------	--

حیا، نه بی‌شرمی

▪ حجت‌الاسلام والمسلمین سید سعید لوسائنی * 	
 وقاحت و بی‌شرمی یکی از زشتی‌های اخلاقی است که هم در امور مادی جاری است، مثل پوشش و لباس و هم در امور معنوی؛ در طرف دیگر هم در مسائل فردی جاری است و هم در امور اجتماعی. دلیل اصلی ارتکاب وقاحت هم آن است که ما باورمان این نیست که خداوند ما را می‌بیند و بر نیات و اندیشه‌ها و اعمال ما ناظر است. و این کفر به خداست که خدا را بر خود حاکم نمی‌پنداریم. اگر هم بگوییم ما به خدا اعتقاد داریم و می‌دانیم بر ما و اعمال ما آگاه است، چه بی‌شرمی بزرگی که در محضر او گناه می‌کنیم. امام صادق(ع) یکی از یاران خود را چنین نصیحت می‌کنند: «بَا إِسْحَاقَ خُفَّ اللَّهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَ أَنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ بَرَأَكَ فَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَسْرُكُ فَقَدْ كَفَرْتَ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ بَرَأَكَ ثُمَّ بَرَزْتَ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ عَلَيْكَ». الکافی: ۶/۸۸۲ [اسحاق از خدا چنان برحذر باش، مانند آنکه او را می‌بینی و اگر تو او را نبینی، او تو را می‌بیند.اگر توهم کنی که او تو انمی‌بیند، کافر شده‌ای و اگر بدانی که تو را می‌بیند و با گناه با او مواجه شوی، او را به‌منزله بی‌اهمیت‌ترین نگاه‌کنندگان به خود قرار دادی.» چگونه است که حاضر نیستیم در نزد کودکی خلاف کنیم اما در محضر حق چنان گستاخ هستیم؟ و این دشمنی با خداست که نفاق و سنگدلی است. وای بر ما که چنین گستاخ هستیم و خود را با وقاحت به نفاق و سنگدلی و کفر دچار می‌کنیم. آیا هلاکی بیش از این هم قابل تصور است که خود و جامعه خود را به آن می‌اندازیم؟ تا چه حد سخت‌رو و ستیزه‌رو و بی‌شرم! و تا چه حد گستاخی که به خدا اندیشه نکنیم و از خویش و بیگانه حیا نوزریم.	
 ادامه در صفحه ۱۲	

سلام وطن بیاباک: ۱۳۰۰۸۸ تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲	
▪ به‌مدالله در سی‌وششمین گرامیداشت پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن امسال هم دیدیم بار دیگر مردم عزیز ایران، شکست‌ناپذیری‌شان در برابر استکبار و زورگویان دنیا را اثبات کردند و با حضور کم‌نظیر خود در این هوای سرد، گرمابخش حضور علاقه‌مندان ایران اسلامی در سراسر جهان شدند. ایرانیان، دست مرزبادا!	
قدسی ▪ آنها که دوست دارند آمریکا را بزک کنند و آن را با آن همه جنایت در تاریخ روابط با ایران، دوست کشور ما و نه دشمن بنمایانند، خواست مردم را که در روز ۲۲ بهمن ۹۳ با شعار فراگیر «سرگ بر آمریکا» میلیون‌ها بار در یک روز آن را فریاد زدند و از خدا خواستار نابودی این دشمن انسانیت شدند، دیدند یا باز هم خود را به خواب غفلت می‌زنند؟! ای کاش این قوم به جای نمک‌شناسی آمریکا، نمک‌شناس کشور خود بودند. ▪ مردم در همه‌پرسی ۲۲ بهمن امسال با صدای رسا گفتند قدم‌زدن وزیرشان با آمریکای جنایتکار را نمی‌پسندند و تا آمریکا آدم نشود، دوست ندارند یک مسؤول ایرانی یا آن شیاطین هم گام شود. صفایای‌پور ▪ بار دیگر مردم ایران به وظیفه خود در حمایت از انقلاب اسلامی با وجود تمام مشکلات اقتصادی و معیشتی خود، عمل کردند. حال دولت محترم نیز با نگاه به توانمندی‌های بومی این جمعیت عظیم و فهیم، در‌صدد انجام وظیفه‌اش که کار، کار و کار است، اقدام اساسی و بالنگیزه کند. یک‌هموطن	

وطن امروز ■ شماره ۱۵۲۶

ماجرا



امیرحسین صفایی: ورود انقلاب اسلامی ایران به سی‌وهفتمین سال پهنه‌ای است تا در «ماجرا»ی این هفته، جدایی بحرین از ایران، این آخرین برگ‌از دفتر تجزیه ایران را اجمالاً مطالعه کنیم. واقعهای که در فاصله‌ای نه چندان زیاد با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۰ جامه تحقق پوشید. اکنون پس از ۴۳ سال از این رخداد خائنه‌ان و با تغییرات و تنش‌های سیاسی در منطقه جنوب غرب آسیا کاملاً مسجل شده است که مالکیت ایران بر بحرین در نزدیکی سواحل عربستان تا چه حد می‌توانست برتری سیاسی و نظامی ایران را در خلیج‌فارس پررنگ‌تر کند. علاوه بر این، حوزه عمل ایران در برداشت از ذخایر نفت و گاز خلیج‌فارس علاوه بر مزایای ژئوپلیتیکی این حاکمیت، بسیار گسترده‌تر از وضعیت کنونی می‌بود.

اما ماجرای این جدایی چه بود؟

▪ **پیشینه‌دست‌اندازی انگلیس بر بحرین**
از گذشته بسیار دور جزیره بحرین همواره بخشی از سرزمین ایران محسوب می‌شده است. جالب است که حتی براساس برخی نقشه‌های سرزمینی دولت عثمانی، علاوه بر بحرین، منطقه هم‌جوار آن در عربستان کنونی یعنی قطیف نیز جزئی از ایران بوده است. این مساله از این نظر حائز اهمیت است که منطقه حجاز طی قرون متمادی تحت حاکمیت دولت عثمانی بوده است.
با قدرت گرفتن و وسعت یافتن استعمار انگلیس در منطقه غرب آسیا، از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی، بنادر و جزایر خلیج‌فارس و دریای عمان مورد طمع جدی این کشور قرار گرفت و ضعف مفرط نظامی و وابستگی و ضعف دولت‌های وقت ایران عرصه را برای حضور بی‌درسر انگلیس در این مناطق کاملاً خالی گذاشت. البته انگلیسی‌ها طبق عادت همیشگی در کنار حضور نظامی و سیاسی از ایجاد تغییرات فرهنگی در منطقه غفلت نکردند و به‌طور خاص روند ایران‌زدایی شدیدی را در مدت حضور خود در بحرین بی گرفتند. چنانکه در این مدت همواره تلاش داشتند از نفوذ تاریخی ایران در تمام مناطق حوزه خلیج‌فارس بکاهند.
دخالت آشکار انگلیس در بحرین از سال ۱۸۱۴ میلادی آغاز شد. در آن سال کمپانی هند شرقی با شیخ عبدالله بن احمد آل خلیفه توافق کرد که بر آای سرسپردگی بی‌قید و شرط آل خلیفه، بریتانیا از او در برابر ایران حمایت کند. ۶۶ سال بعد در سال ۱۸۸۰ میلادی این معاهده بین دو طرف مکتوب و رسماً امضا شد. در تمام دوره قاجار وضعیت به همین منوال گذشت و کوچک‌ترین ادعا یا مقاومتی از سوی دولت ایران برای بازگرداندن بحرین مشاهده نشد. خاندان پهلوی نیز که اساساً با توطئه پیچیده شبکه سیاسیون و عوامل فراماسونری بر ایران حاکمیت یافتند جرات اقدام جدی در این باره در مقابل اربابان خود را نداشتند و عملاً حکومت ایران در تمام این مدت جز برخی اعتراض‌های سست، اقدامی برای بازگشت بحرین صورت نداد.

علاوه بر انگیزه‌های سیاسی به جهت تسلط کامل بر منطقه جنوب غرب آسیا و شبه‌قاره هند، نیات اقتصادی بلندمدتی نیز در پس اقدامات بریتانیا در بحرین نهفته بود و آن تسلط بر منابع نفتی این جزیره بود و به همین سبب طی مدتی طولانی انگلیس با اشغال بحرین حاضر به هیچ‌گونه گفت‌وگو و چون و چرایی درباره حاکمیت آن نبود. این مساله تا سال ۱۹۵۴ میلادی به همین شکل ادامه یافت.

▪ **تغییرسیاست‌انگلیس**
در فاصله سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۶ میلادی قیام‌ها و اعتراضات ضد انگلیسی پرآدم‌نای بحرین را فرا گرفت که منجر به تغییر سیاست انگلیس در این جزیره شد. انگلیسی‌ها که دوران حضور مستقیم خود در بحرین را تمام‌شده یافته بودند

تصمیم به ترک بحرین بدون بازگرداندن آن به سرزمین پدری گرفتند و ساز استقلال بحرین را کوک کردند. در این میان البته مشکلاتی نیز بود. دولت کارگری انگلستان با مشکلات مالی فراوانی روبه‌رو بود و آمریکا نیز تماماً درگیر جنگ ویتنام شده بود. تصمیم انگلیس به خروج نظامی از خلیج‌فارس می‌توانست مشکل‌ساز شود و تأمین منافع غرب در منطقه را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو کند. بنابراین بریتانیا تصمیم گرفت علاوه بر شکل دادن یک ساخت سیاسی جدید حول سواحل خلیج‌فارس، کشورهای جدیدی نظیر بحرین و امارات عربی متحده را به وجود آورد. این مساله البته نیازمند همراهی ایران بود.

▪ **زاندارم خلیج‌فارس!**

«بحرین مثل دختری است که به سن شوهر دادن رسیده است و ما شوهرش دادیم، بچه هم دارد.» بر اساس اسناد ساواک این جمله‌ای است که هویدا نخست‌وزیر شاه در یکی از جلسات حزب ایران نوین بر زبان آورده است و نگاه رجال حکومت پهلوی به مساله استقلال کشور را به‌خوبی نمایان می‌کند. جمله هویدا نشان می‌دهد در طول چند دهه حاکمیت عده‌ای خودفروخته چه بر سر این کشور آمد. هنگامی که با بخشی از خاک ایران چنین معاملهای شده باشد، به حراج گذاشتن منابع اقتصادی و منافع سیاسی ملت کار چندان دشواری نیست.

بهرغم اینکه از ابتدای اشغال بحرین توسط انگلستان تا این زمان اقدامی از سوی حکومت‌های قاجار و پهلوی جهت اعاده حاکمیت ایران بر بحرین صورت نگرفته بود اما با این حال همواره ایران بحرین را بخشی از خاک خود می‌دانست. ایرانیان میناسال به خاطر دارند که بحرین در کتب درسی جغرافی استان چهاردهم ایران قلمداد می‌شده است. در سال ۱۳۴۷ محمدرضا پهلوی طی دیدارش از هند در اظهارنظری عجیب گفت: «گر مردم بحرین مایل نباشند به کشور ما ملحق شوند هرگز به زور متوسل نخواهیم شد و هر کاری که بتواند اراده مردم بحرین را به نحوی که نزد همه جهانیان به رسمیت شناخته شود، نشان دهد خوب است.» این عمل چنان احمقانه و وقیحانه بود که در تاریخ ایران سابقه نداشت. او پیش از این در مصاحبه‌ای با روزنامه گاردین چاپ لندن در شهریور ۱۳۴۵ (اگوست ۱۹۶۶) گفته بود: «بحرین بریتانیا از او در برابر ایران حمایت کند. ۶۶ سال بعد در سال ۱۸۸۰ میلادی این معاهده بین دو طرف مکتوب و رسماً امضا شد. در تمام دوره قاجار وضعیت به همین منوال گذشت و کوچک‌ترین ادعا یا مقاومتی از سوی دولت ایران برای بازگرداندن بحرین مشاهده نشد. خاندان پهلوی نیز که اساساً با توطئه پیچیده شبکه سیاسیون و عوامل فراماسونری بر ایران حاکمیت یافتند جرات اقدام جدی در این باره در مقابل اربابان خود را نداشتند و عملاً حکومت ایران در تمام این مدت جز برخی اعتراض‌های سست، اقدامی برای بازگشت بحرین صورت نداد.

علاوه بر انگیزه‌های سیاسی به جهت تسلط کامل بر منطقه جنوب غرب آسیا و شبه‌قاره هند، نیات اقتصادی بلندمدتی نیز در پس اقدامات بریتانیا در بحرین نهفته بود و آن تسلط بر منابع نفتی این جزیره بود و به همین سبب طی مدتی طولانی انگلیس با اشغال بحرین حاضر به هیچ‌گونه گفت‌وگو و چون و چرایی درباره حاکمیت آن نبود. این مساله تا سال ۱۹۵۴ میلادی به همین شکل ادامه یافت.

▪ **تغییرسیاست‌انگلیس**
در فاصله سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۶ میلادی قیام‌ها و اعتراضات ضد انگلیسی پرآدم‌نای بحرین را فرا گرفت که منجر به تغییر سیاست انگلیس در این جزیره شد. انگلیسی‌ها که دوران حضور مستقیم خود در بحرین را تمام‌شده یافته بودند

صحنه آخر

شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۳



نگاهی به معاهدات و امتیازات خارجی ایران در ۲ قرن منتهی به انقلاب اسلامی – ۷

رشوه، رفراندوم خانوادگی و جدایی بحرین

بحرین گر نکو نگری/ چو کودکی‌ست که از مادر عزیز جداست.

▪ **نظرخواهی از ۴۰ خانواده به جای همه‌پرسی**
نهایتاً در ۱۸ اسفندماه ۱۳۴۸ دولت ایران رسماً موافقت خود را با نظرخواهی از مردم بحرین درباره استقلال به سازمان ملل اعلام نمود. دولت بریتانیا نیز با پیشنهاد ایران در این زمینه موافقت کرد. نظرخواهی (و نه همه‌پرسی!) از روز ۱۰ فروردین ۱۳۴۹ آغاز شد و تا بیست‌ونهم ادامه یافت. مدیر دفتر سازمان ملل در ژنو از سوی دبیر کل وقت امضا می‌کند که در آن از واژه «occupation» استفاده شد که صراحتاً به معنای «اشغال» است. همین کلمه بعدها دستاویزی شد که امارات عربی متحده ادعا نماید ایران این جزایر را اشغال نموده است و خواستار بازپس‌گیری آن شود.

ام‌ا محمدرضا پهلوی در پس این خبیات تاریخی در حق ایران چه در سر می‌پروراند. مهم‌ترین انگیزه او ایجاد وجهه بین‌المللی و کسب آبرو نزد غرب بود. آنها بازنگشتن بحرین به ایران را می‌خواستند و در نتیجه او نیز غیر از این نمی‌خواست. اسدالله علم، وزیر دربار در جلد اول خاطراتش می‌نویسد: «شاهنشاه با کمال آقایی و بزرگواری فرمودند حالا که من و تو هستیم آیا فکر می‌کنی در آینده ما را خائن خواهند گفت یا چنان که معتقدم و اغلب سیاستمداران دنیا هم معتقدند، من که حاضر به حل مطلب بحرین شدم، خواهند گفت کار بزرگی انجام دادیم و این منطقه از دنیا را از شر کشمکش‌های پوچ و بالنتیجه نفوذ کمونیسم نجات دادیم؟»(۹)
محمدرضا حاضر بود از حاکمیت ایران بر جزیرهای که احاطه کشور بر خلیج‌فارس را عمیق‌تر می‌کرد، چشم‌پوشد اما منافع غرب را بی‌کم و کاست تأمین کند. به راستی در طول تاریخ ایران کدام حاکمی هرچند مستبد چنین معاملهای با خاک کشورش روا داشته است؟ ▪ **رشوه به شاهنشاه**

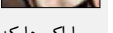
اسدالله علم در خاطراتش نقل کرده است در جریان مذاکرات مربوط به بحرین شاه به او مأموریت داده تا از سفیر انگلیس بخواهد برای وامی حدود «صد میلیون لیره» و با بهره کم از کویت مداخله کند(۸) علم در جلسه‌ای به سفیر انگلیس هندار می‌دهد که «جز شاه و من کسی از قضیه وام از کویت خبر ندارد و این ارقام در هیچ یک از امارهای رسمی وام‌های کشور مندرج نخواهد شد»(۸) این درخواست عجیب چنانچه بعدها از سوی برخی مطرح شد چیزی جز درخواست رشوه جهت موافقت با استقلال بحرین تلقی نمی‌شود. این واقعیت تصمیم ناگهانی محمدرضا پهلوی بر چشم‌پوشی از حاکمیت ایران بر بحرین بدون مراجعه به آرای عمومی همه مردم ایران (از جمله بحرین) و بدون کسب مشورت از نهادهای هرچند فرمایشی کشور را توجیه‌پذیر می‌کند که جز اثبات نوکری پای منافع مالی شخصی نیز در میان بوده است. در نتیجه چنین خیانت‌هایی بود که به گفته مرحوم ابوالقاسم حالت: «کنون جزیره



آب‌وهوا		
اوموسی ۱۸ / ۲۹	سیستان ۱۴ / ۲۷	
آذرشقی ۸- / ۵	فارس ۱۱ / ۲۰	
آذرغربی ۶- / ۶	قزوین ۰ / ۹	
اردبیل ۳- / ۸	قم ۲ / ۱۳	
اصفهان ۶ / ۱۶	کردستان ۳- / ۱۲	
البرز ۰ / ۱۱	کرمان ۶ / ۲۰	
ایلام ۱- / ۱۱	گرمشاه ۱- / ۱۳	
بوشهر ۱۷ / ۲۷	کهگیلویه ۴ / ۱۴	
تهران ۵ / ۱۳	گلستان ۳ / ۱۰	
چهارمحال ۲ / ۹	گیلان ۶ / ۸	
خراسان ج ۶ / ۲۰	لرستان ۷ / ۱۶	
خراسان ر ۳ / ۸	مازندران ۸ / ۱۱	
خراسان ش ۲ / ۴	مرکزی ۱ / ۹	
خوزستان ۹ / ۲۵	هرمزگان ۱۸ / ۲۹	
زنجان ۲- / ۱۰	همدان ۱- / ۹	
سمنان ۴ / ۱۲	یزد ۱۰ / ۲۲	

تقویم تاریخ	
--------------------------	--

▪ **درگیری خونین ساواکی‌ها و عناصر ضدانقلاب با نیروهای انقلابی در تبریز (۱۳۵۷ش)**



عناصر ضدانقلاب و ساواکی‌ها که در نقاط مختلف شهر تبریز موضع گرفته بودند، با تیراندازی‌های گسترده، عده زیادی از مردم شهر را به خاک و خون کشیدند. نیروهای وفادار به انقلاب درصدد دفع تهاجمات دشمنان برآمدند و با کشتن تعدادی و دستگیری ۱۵۰ تن و فرار سایر مزدوران، این واقعه به پایان رسید.

▪ **عزل احمدشاه قاجار از فرماندهی کل قوا و واگذاری آن به «رضاخان» با تصمیم مجلس (۱۳۰۳ش)**

رضاخان سردار سپه پس از گسترش قدرت و نفوذ خود در سراسر کشور، تنها از یک چیز بیم داشت و آن برکناری وی از سوی احمدشاه بود، همان‌طور که پیش‌تر در حادثه جمهوری چین شد. به همین علت کوشید تا فرماندهی کل قوا را که به موجب قانون اساسی در اختیار شاه بود، از آن خود کند اما مخالفت مدرس و اقلیت هوادار او، مانعی جدی در نیل به این هدف بود. از این رو سردار سپه به مدرس حین داندن که تسلیم او شده و از این پس هر چه مدرس بگوید پذیرفته می‌شود. در اواسط بهمن‌ماه، سردار سپه به منزل مدرس رفت و در این ملاقات و ملاقات‌های بعدی، از توطئه‌های دربار بر ضد خود گله کرد و خواستار اعطای فرماندهی کل قوا شد. مدرس نیز که قصد داشتند با حمایت از رضاخان، مانع انجام کارهای غیرقانونی وی شود، همکاری با او را پذیرفت. به همین علت فراکسیون‌های مختلف مجلس با مشورت یکدیگر، طرحی برای این منظور تهیه کردند که در ۲۵ بهمن ۱۳۰۳ به تصویب نمایندگان رسید. بدین ترتیب رضاخان به فرماندهی کل قوای ایران دست یافت و احمدشاه قاجار با از دست دادن مهم‌ترین اهرم قدرت سلطنت خویش، قدرت خود را از کف داد و زمینه‌برای برانداختن قاجار، بیش از پیش فراهم شد. در حقیقت باید از این تاریخ، سلطان احمدشاه را پادشاه مخلوع ایران دانست و رضاحان پهلوی را پادشاه جدید ایران خواند.

▪ **صدور حکم تاریخی امام خمینی مبنی بر ارتداد سلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی (۱۳۶۷ش)**

سلمان رشدی، نویسنده مرتد هندی‌الاصل انگلیسی در رمان خود با نام آیات شیطانی، به اسلام، قرآن و پیامبر اکرم(ص) و بسیاری دیگر از مقدسات مسلمانان به روشی جاهلانه و ناپرخردانه اهانت کرده است. تألیف و انتشار کتاب آیات شیطانی در سطح گسترده که با نظر مثبت و مساعد دولت‌های غربی انجام شد، حاکی از توطئه فرهنگی جدید غرب علیه مسلمانان، تحت پوشش آزادی بود اما فتوای صریح امام خمینی علیه نویسنده این کتاب، باعث بیداری مردم جهان بویژه مسلمانان شد و در واقع از تکرار چنین اهانت‌هایی به اسلام جلوگیری کرد. پس از صدور این فتوا، اکثریت علمای جهان اسلام و بسیاری از آزاداندیشان از آن حمایت کردند. این در حالی بود که دولت‌های غربی به بهانه دفاع از آزادی قلم به حمایت شدید تبلیغاتی و سیاسی از سلمان رشدی پرداختند. حضرت امام با صدور حکم شرعی ارتداد نویسنده کتاب آیات شیطانی، نیروی عظیم مسلمانان را آشکار کردند و موجی توفنده از توده‌های میلیاردری مسلمانان در مصاف با کفر پدید آوردند. رشدی مرتد نیز از لحظه صدور حکم، مخفی شد و پلیس اسکاتلندبارد، حفاظت از وی را با صرف هزینه‌های کلان برعهده گرفت. رهبر حکیم انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در این باره فرمودند: حکمی را که امام امت بیان فرموده‌اند، حکمی است که هر یک از فقهای اسلامی اگر بخواهند طبق حکم اسلامی عمل کنند، همین حکم را باید بدهند و این فتوا قطعی است.

هزینه حفاظت از سلمان رشدی برای دولت انگلستان حدود یک‌میلیون پوند در سال است.